

بررسی اثر تیوپنتال سدیم و سالین هایپرتونیک ۵ درصد به تنهایی و ترکیب این دو دارو بر تغییرات فشار داخل جمجمه‌ای در اعمال جراحی کرایوتومی

مهرداد مسعودی فر^۱، زهرا بهاری^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: در طول انجام عمل کرایوتومی، فشار داخل جمجمه‌ای کافی یک عامل کلیدی جهت تسهیل جراحی برداشتن تومور است. از این رو، یافتن راه درمانی در جهت فشار جمجمه‌ای متناسب، امری ضروری است. هدف از انجام این مطالعه، بررسی اثر تیوپنتال سدیم و سالین هایپرتونیک ۵ درصد به تنهایی و ترکیب این دو دارو بر تغییرات فشار داخل جمجمه‌ای در اعمال جراحی کرایوتومی بود.

روش‌ها: این مطالعه، یک کارآزمایی بالینی تصادفی دو سو کور بود که بر روی ۶۷ بیمار کاندیدای کرایوتومی انجام شد. به روش تصادفی‌سازی ساده، ۲۲ نفر در گروه سالین هایپرتونیک، ۲۲ نفر در گروه سالین هایپرتونیک و تیوپنتال سدیم و ۲۳ نفر در گروه تیوپنتال سدیم قرار گرفتند. داروهای مورد نظر بعد از بیهوشی تجویز شد و علائم حیاتی و فشار داخل جمجمه در بیماران ثبت گردید. از آزمون‌های χ^2 و ANOVA جهت مقایسه‌ی داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: میزان ریلکسیشن ($0/35 \pm 3/86$) در گروه دریافت‌کننده‌ی سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم دارای شرایط بهتری بود ($P < 0/001$) و میزان رضایت بیشتر جراح ($0/35 \pm 3/86$) را نیز در بر داشت ($P = 0/005$). همچنین، در این گروه ثبات علائم همودینامیک نیز دیده شد ($P < 0/050$).

نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع بالای افزایش فشار مغزی به دنبال اعمال جراحی کرایوتومی جهت خارج کردن تومورهای سوپراتنتوریال مغز، پیشنهاد می‌شود برای تمام بیماران سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم تجویز شود تا سبب کاهش عوارض و بهبود نتیجه‌ی درمانی و افزایش رضایت بیمار و جراح شود.

واژگان کلیدی: ریلکسیشن مغزی، سالین هایپرتونیک، تیوپنتال سدیم

ارجاع: مسعودی فر مهرداد، بهاری زهرا. بررسی اثر تیوپنتال سدیم و سالین هایپرتونیک ۵ درصد به تنهایی و ترکیب این دو دارو بر تغییرات

فشار داخل جمجمه‌ای در اعمال جراحی کرایوتومی. مجله دانشکده پزشکی اصفهان ۱۳۹۸؛ ۳۷ (۵۱۳): ۳۰-۳۳

انجام جراحی مغز و اعصاب برای اعمال جراحی تومورهای سوپرا تنتوریال نیاز به یک مغز ریلکس قبل از برداشتن تومور دارد. تورم مغزی، سبب افزایش خونریزی و همچنین، مشکلاتی در برداشتن تومور می‌شود. علاوه بر این، ادم مغزی می‌تواند منجر به هرنیشن شود. بنابراین، قبل از انجام جراحی بر روی مغز باید ادم مغزی بر طرف شود. روش‌های درمانی که سبب کاهش ادم مغزی می‌شوند، شامل هایپرونتیلیاسیون متوسط جهت کاهش Partial pressure of carbon dioxide (PaCO_2) به ۳۰ میلی‌متر جیوه، خروج مایع مغزی- نخاعی، استفاده از محلول‌های هایپراسمولار مانند مانیتول و سالین هایپرتونیک است. باریتورات‌ها و

مقدمه

فشار داخل جمجمه‌ای (Intracranial pressure یا ICP) فشاری است که محتویات داخل جمجمه به غشای دورا وارد می‌کنند که این محتویات، شامل نسج مغز، خون و مایع مغزی- نخاعی می‌باشد. افزایش در ICP سبب کاهش جریان خون مغزی می‌شود و نیز می‌تواند منجر به فتق‌های مغزی و مرگ شود (۱).

در طول انجام عمل کرایوتومی، حجم تومور و ادم وازوژنیک می‌تواند سبب افزایش فشار داخل جمجمه و ایجاد وضعیت‌های بالینی شود که در آن، ایجاد فشار داخل جمجمه‌ای کافی، یک عامل کلیدی جهت تسهیل جراحی برداشتن تومور است (۲).

۱- استادیار، مرکز تحقیقات بیهوشی و مراقبت‌های ویژه و گروه بیهوشی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دانشجوی پزشکی، کمیته‌ی تحقیقات دانشجویی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

پروپوفول نیز سبب کاهش فشار داخل جمجمه‌ای و ادم مغزی به وسیله‌ی کاهش جریان خون می‌شوند.

استفاده از محلول‌های هایپراسمولار، روش رایجی جهت کاهش فشار درون جمجمه‌ای است. عوامل اسمزی موجود در محلول‌های هایپراسمولار سبب ایجاد یک گرادیان اسمزی در سراسر سد خونی - مغزی سالم می‌شوند که سبب کشیده شدن آب از میان بافت مغزی به فضای عروقی و در نتیجه، کاهش حجم در مغز و در نهایت، کاهش فشار داخل جمجمه‌ای می‌شود (۷-۳).

تا کنون، مطالعات مختلفی در مورد تأثیر دزهای مختلف سالیین هایپرتونیک و نیز تیوپنتال سدیم بر روی کاهش فشار داخل جمجمه‌ای و نیز ریلکسیشن مغزی انجام شده است (۱۰-۸، ۱)، اما متأسفانه تحقیقات کمتری در مورد مقایسه‌ی تأثیر افزودن تیوپنتال سدیم به سالیین هایپرتونیک ۵ درصد و سالیین هایپرتونیک ۵ درصد و تیوپنتال سدیم به تنهایی بر کاهش فشار داخل جمجمه‌ای در اعمال جراحی کراتیوتومی انجام گرفته است. بنابراین، مطالعه‌ی حاضر با هدف درک بهتر اثربخشی افزودن تیوپنتال سدیم به سالیین هایپرتونیک ۵ درصد نسبت به سالیین هایپرتونیک ۵ درصد و تیوپنتال سدیم در جهت کاهش فشار داخل جمجمه‌ای افزایش یافته و نیز مقایسه‌ی آن‌ها انجام شد.

روش‌ها

این مطالعه، یک کارآزمایی بالینی تصادفی دو سو کور بود. متخصص جراح مغز و اعصاب و فردی که داده‌ها را جمع‌آوری می‌کرد، از تخصیص گروه‌های مطالعه بی‌اطلاع بودند. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، شامل افراد ۷۰-۱۸ ساله مبتلا به تومور مغزی سوپرا تنتوریال بود که کاندیدای عمل کراتیوتومی بودند. حجم نمونه‌ی مورد نیاز این مطالعه، با استفاده از فرمول مقایسه‌ی میانگین و با در نظر گرفتن مقادیر مربوط به استفاده از Commodity supplemental food program (CSFP) در مطالعه‌ی Santra و Das (۴) و با در نظر گرفتن μ_1 ، μ_2 ، S_1 و S_2 برابر با ۱۱/۹، ۱۰/۴، ۱/۴ و ۱/۶، در هر گروه ۲۲ نفر محاسبه گردید.

معیارهای ورود شامل کلیه‌ی بیماران دامنه‌ی سنی ۷۰-۱۸ سال، بیماران کاندیدای جراحی تومور مغزی انتخابی واجد شرایط اسموتراپی (دارای ادم مغزی)، بیهوشی درجات ۱ و ۲ بر اساس معیارهای (ASA) American Society of Anesthesiologists، میزان سدیم (Na) قبل از جراحی بین ۱۴۵-۱۳۵ میلی‌مول/لیتر، موافقت بیمار برای شرکت در مطالعه و (GCS) Glasgow coma scale بیش از ۱۳ بود و معیارهای عدم ورود به مطالعه، شامل وجود بیماری Congestive heart failure (CHF) یا نارسایی کلیه و یا دیابت بود.

معیار خروج از مطالعه، شامل حساسیت دارویی، هر گونه تغییر در بیهوشی در حین جراحی، فوت بیمار قبل از اتمام مطالعه، در

صورت عدم کاهش ICP بعد از دریافت دز دوم تیوپنتال سدیم، لغو شدن عمل جراحی به علل مختلف و عدم رضایت بیمار به ادامه‌ی شرکت در برنامه بودند.

پس از تأیید کمیته‌ی اخلاق دانشکده‌ی پزشکی و اخذ رضایت از بیماران، ۶۶ بیمار کاندیدای جراحی کراتیوتومی جهت خارج کردن تومورهای سوپرا تنتوریال مغز به روش نمونه‌گیری آسان انتخاب شدند. سپس، به صورت تصادفی سازی ساده در سه گروه ۲۲ نفره تقسیم شدند. پس از بستری بیماران، در اتاق عمل تحت مراقبت‌های استاندارد (پالس‌اکسی‌متری، کاپنوگراف و EKG) قرار گرفتند. جهت کاهش ICP گروه اول تحت تزریق وریدی ۵ میلی‌لیتر/کیلوگرم سالیین هایپرتونیک ۵ درصد و گروه دوم تحت تزریق وریدی ۵ میلی‌لیتر/کیلوگرم سالیین هایپرتونیک ۵ درصد به همراه ۲ میلی‌لیتر/کیلوگرم/ساعت تیوپنتال سدیم به صورت تزریقی و گروه سوم تحت دریافت ۲ میلی‌لیتر/کیلوگرم/ساعت تیوپنتال سدیم به صورت تزریق بلافاصله بعد از بیهوشی قرار گرفتند.

در صورت عدم کاهش ICP توسط تیوپنتال سدیم، جهت کاهش بیشتر ICP از سالیین هایپرتونیک یا دز دوم تیوپنتال استفاده شد و در صورت عدم کاهش ICP، بیمار از مطالعه خارج می‌شد. کلیه‌ی بیماران از طریق تزریق وریدی ۲ میلی‌گرم/کیلوگرم پروپوفول، ۲ میلی‌گرم/کیلوگرم فنتانیل، ۱/۵ میلی‌گرم/کیلوگرم لیدوکائین، ۰/۱ میلی‌گرم/کیلوگرم میدازولام، ۰/۶ میلی‌گرم/کیلوگرم آتراکوریوم و ۸ میلی‌گرم دگزمتازون، تحت بیهوشی عمومی قرار گرفتند. تثبیت بیهوشی با تزریق ۱۵۰-۱۰۰ میلی‌گرم/کیلوگرم/ساعت پروپوفول و دریافت اکسیژن ۷۰ درصد و هوا (Air) انجام شد. مایع درمانی در طی عمل جراحی نیز بر اساس شیوه‌نامه‌ی مشخص و به صورت یکسان انجام شد.

میزان ریلکس شدن مغزی توسط جراح مغز و اعصاب بدون اطلاع از نوع اسموتراپی انجام شده برای بیمار از طریق معیار چهار امتیازی زیر صورت گرفت؛ بدین صورت که جراح بلافاصله قبل از باز کردن دورا با استفاده از معیار رتبه‌بندی ۴-۱، میزان ریلکس شدن مغزی را مشخص می‌کرد و تخصیص نمرات شامل ۴ (بهترین درجه‌ی ریلکس شدن)، ۳ (ریلکس شدن راضی کننده)، ۲ (مغز سفت) و ۱ (مغز بالج شده) بود. این نمره، به عنوان معیاری جهت ارزیابی میزان کشش دورا هنگام برش جراحی در نظر گرفته شد. در پایان عمل جراحی نیز میزان رضایتمندی جراح مغز و اعصاب در مورد کیفیت اسموتراپی با استفاده از مقیاس لیکرت (نمره‌ی ۴ کاملاً راضی و نمره‌ی ۱ ناراضی) ثبت شد.

در حین عمل جراحی نیز اطلاعاتی نظیر میزان خون از دست رفته از طریق بررسی دستگاه ساکشن و گازهای خونی و فیلد

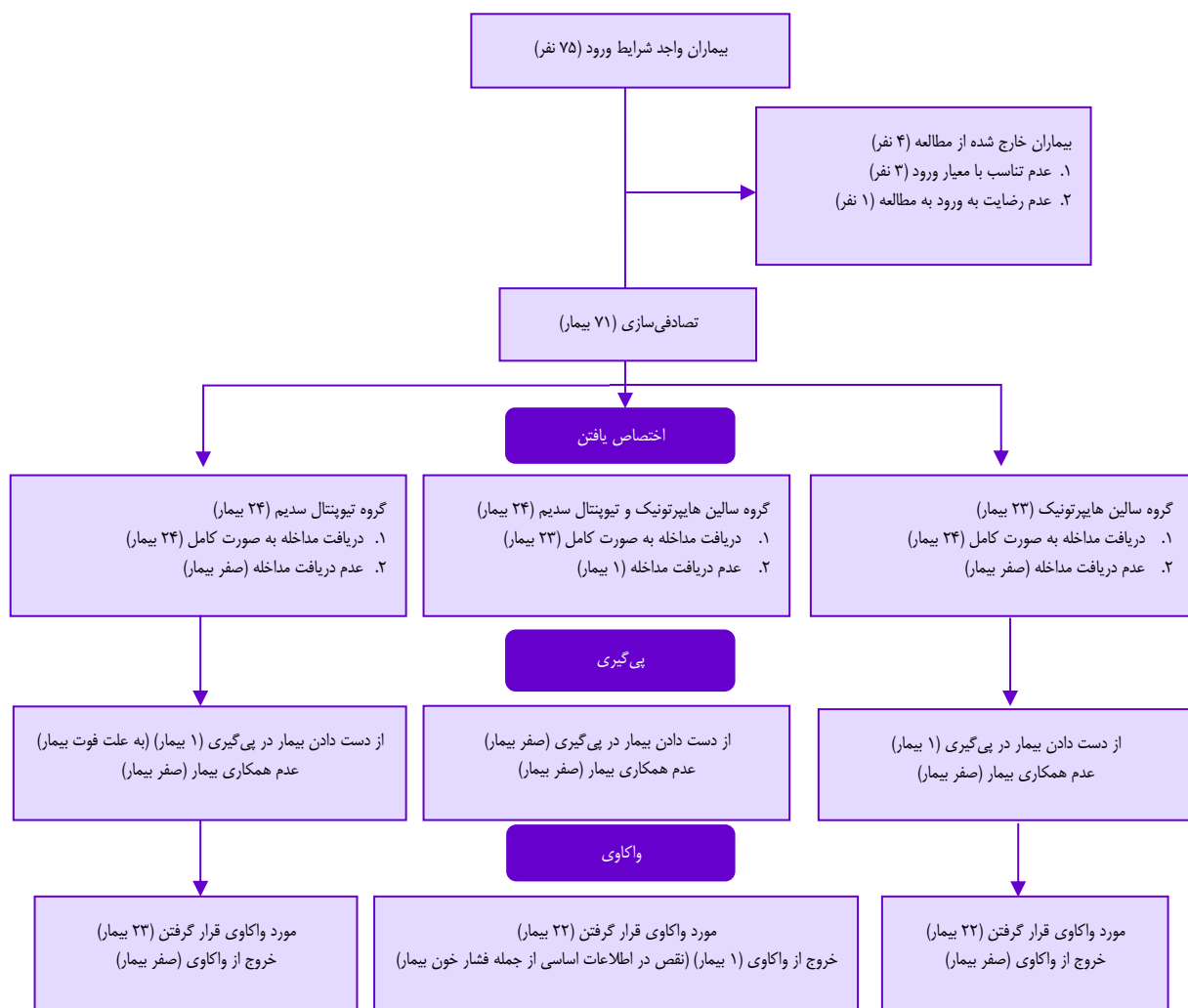
آماري در دو بخش توصيفي و تحلیلي ارایه شد. جهت تحلیل داده‌ها، ابتدا از آمار توصیفی شامل جداول فروانی و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای توصیف مهم‌ترین ویژگی‌های افراد مورد مطالعه، استفاده شد. از آزمون‌های آماری χ^2 و ANOVA استفاده گردید و استفاده از $P < 0/05$ به عنوان سطح معنی‌داری در تمام آزمون‌ها در نظر گرفته شد. شکل ۱، فلوجارت مطالعه را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

از میان ۶۷ بیماری که کاندیدای جراحی بودند و وارد این مطالعه شدند (۲۲ نفر در گروه سالیین هایپرتونیک، ۲۲ نفر در گروه سالیین هایپرتونیک و تیوپنتال سدیم و ۲۳ نفر در گروه تیوپنتال سدیم)، تعداد ۴۷ نفر (۷۰/۱ درصد) مرد و ۲۰ نفر (۲۹/۹ درصد) زن بودند. میانگین سن افراد مورد مطالعه برابر با $47/88 \pm 14/25$ سال (با دامنه‌ی ۷۰-۲۳ سال) بود.

جراحی، فشار متوسط شریانی هر نیم ساعت حین عمل تا پایان آن، تعداد ضربان قلب هر نیم ساعت حین عمل تا پایان آن، میزان CO_2 انتهای بازدمی هر نیم ساعت حین عمل تا پایان آن، میزان اشباع اکسیژن شریانی (Oxygen saturation یا SpO_2) هر نیم ساعت حین عمل تا پایان آن، مدت زمان عمل جراحی (از زمان برش پوست تا آخرین بخیه) و مدت زمان اقامت در ریکاوری در سه گروه، اندازه‌گیری و نتایج در فرم ویژه توسط تکنسین بیهوشی بدون اطلاع وی از نوع اسموتراپی انجام شده برای بیمار جهت مقایسه ثبت شد. همچنین، داده‌های دموگرافیک (سن، جنس، وزن، قد و درجه‌ی بیهوشی بر اساس ASA) سنجیده و در سه گروه مقایسه شد.

واکاوی آماری: کلیدی اطلاعات بیماران شامل عوامل دموگرافیک و علائم پیرابالینی در چک لیست ساخته شده توسط مجری ثبت گردید و وارد نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۲ (version 22, IBM Corporation, Armonk, NY) شد. واکاوی



شکل ۱. فلوجارت مطالعه (CONSORT format)

جدول ۱. فراوانی و میانگین متغیرهای دموگرافیک و بالینی در بیماران سه گروه مورد مطالعه

متغیر	سالین هایپر تونیک به همراه تیوپنتال سدیم (n = ۲۲)	تیوپنتال سدیم (n = ۲۳)	سالین هایپر تونیک به همراه تیوپنتال سدیم (n = ۲۲)	گروه	مقدار P
	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)		
جنس (مرد)	۱۵ (۶۸/۲)	۱۷ (۷۳/۹)	۱۵ (۶۸/۲)		۰/۵۷۸
سن (سال)	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار		
شاخص توده‌ی بدنی (kg/m ²)	۴۸/۶۸ ± ۱۵/۸۳	۴۵/۳۹ ± ۱۴/۵۹	۴۹/۶۸ ± ۱۲/۳۹		۰/۸۸۸
مدت جراحی (ساعت)	۲۶/۴۵ ± ۲/۰۴	۲۶/۳۹ ± ۲/۶۴	۲۵/۵۳ ± ۲/۰۶		۰/۳۲۷
ریلکسیشن مغزی	۳/۴ ± ۱/۵۵	۳/۵ ± ۱/۳۸	۴/۱۱ ± ۰/۳۷		۰/۱۱۸
از دست دادن خون حین جراحی (سی‌سی)	۲/۶۸ ± ۰/۷۷	۳/۶۵ ± ۰/۴۸	۳/۸۶ ± ۰/۳۵		< ۰/۰۰۱
رضایت جراح	۶۲۲/۷۲ ± ۶۰۳/۷	۲۶۵/۲۱ ± ۱۳۲/۶۶	۴۶۲/۷۲ ± ۱۸۸/۳۳		۰/۰۰۸
مدت اقامت در ریکاوری (ساعت)	۳/۳۶ ± ۰/۷۲	۳/۷۸ ± ۰/۴۲	۳/۸۶ ± ۰/۳۵		۰/۰۰۵
	۱/۵۹ ± ۱/۰۳	۱/۹۵ ± ۰/۶۸	۱/۷ ± ۱/۳۷		۰/۵۰۲

شد که رضایت جراح در گروه سالین هایپر تونیک به همراه تیوپنتال سدیم دارای بهترین شرایط (بالاترین نمره) (۳/۸۶ ± ۰/۳۵) و گروه سالین هایپر تونیک دارای بدترین شرایط (۳/۳۶ ± ۰/۷۲) بود (P = ۰/۰۰۵) (جدول ۱).

در خصوص متغیرهای همودینامیک مشخص شد که میانگین فشار خون متوسط شریانی از ساعت اول تا انتهای ساعت سوم (به جز ساعت ۲/۵ جراحی) در گروه تیوپنتال سدیم کمترین میزان و در گروه سالین هایپر تونیک بیشترین میزان بوده است و این در حالی است که در تمام زمان‌های پیش گفته، در گروه سالین هایپر تونیک به همراه تیوپنتال سدیم در حد متوسط بود و ثبات بیشتری دیده شد (P < ۰/۰۵۰) (جدول ۲ و شکل ۲).

در مطالعه‌ی حاضر، مشخص شد که سن (P = ۰/۵۷۸)، جنس (P = ۰/۸۸۸)، شاخص توده‌ی بدنی (Body mass index یا BMI) (P = ۰/۳۲۷)، مدت جراحی (P = ۰/۱۱۸) و مدت اقامت در ریکاوری (P = ۰/۵۰۲) میان سه گروه مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری نداشت.

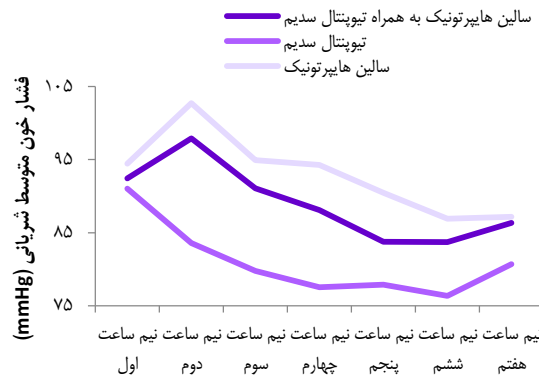
از سوی دیگر، مشخص شد که ریلکس شدن مغز در گروه سالین هایپر تونیک به همراه تیوپنتال سدیم دارای بهترین شرایط (بالاترین نمره) (۳/۸۶ ± ۰/۳۵) و گروه سالین هایپر تونیک دارای بدترین شرایط بود (۲/۶۸ ± ۰/۷۷) (P < ۰/۰۰۱). میزان خونریزی حین جراحی در گروه تیوپنتال سدیم کمترین میزان (۲۶۵/۲۱ ± ۱۳۲/۶۶) سی‌سی) و در گروه سالین هایپر تونیک، بیشترین میزان (۴۶۲/۷۲ ± ۶۰۳/۷ سی‌سی) بود (P = ۰/۰۰۸). در نهایت، مشخص

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار فشار خون میانگین و ضربان قلب در سه گروه مورد مطالعه در زمان‌های مختلف

متغیر	سالین هایپر تونیک به همراه تیوپنتال سدیم (n = ۲۲)	تیوپنتال سدیم (n = ۲۳)	سالین هایپر تونیک به همراه تیوپنتال سدیم (n = ۲۲)	گروه	مقدار P
	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار		
ضربان قلب				نیم ساعت اول	۰/۲۰۸
	۹۴/۳۱ ± ۱۳/۹۱	۸۸/۴۳ ± ۹/۳۰	۹۲/۰۴ ± ۹/۵۴	نیم ساعت دوم	۰/۲۲۲
	۹۰/۱۸ ± ۱۹/۵۹	۸۲/۶۵ ± ۱۳/۴۱	۸۸/۰۴ ± ۷/۶۳	نیم ساعت سوم	۰/۰۲۴
	۹۲/۹۵ ± ۱۶/۰۸	۸۲/۱۳ ± ۱۶/۶۴	۸۳/۵۰ ± ۶/۷۶	نیم ساعت چهارم	۰/۰۳۷
	۸۹/۲۶ ± ۱۶/۵۳	۷۸/۱۷ ± ۱۵/۴۳	۸۲/۳۱ ± ۷/۳۷	نیم ساعت پنجم	۰/۰۱۰
	۹۲/۷۰ ± ۱۴/۵۲	۷۹/۹۰ ± ۱۵/۰۸	۸۵/۱۳ ± ۶/۸۵	نیم ساعت ششم	۰/۰۱۶
	۹۳/۵۰ ± ۱۶/۶۲	۷۸/۵۰ ± ۱۶/۷۴	۸۴/۸۱ ± ۸/۱۲	نیم ساعت هفتم	۰/۱۳۵
	۸۷/۲۵ ± ۱۱/۰۲	۷۷/۹۰ ± ۱۳/۷۳	۸۱/۰۰ ± ۹/۸۳	نیم ساعت اول	۰/۶۱۱
فشار خون				نیم ساعت دوم	< ۰/۰۰۱
	۹۴/۴۵ ± ۱۵/۱	۹۱/۰۴ ± ۱۱/۳۴	۹۲/۴۳ ± ۶/۴۷	نیم ساعت سوم	۰/۰۰۱
	۱۰۲/۷۲ ± ۲۰/۸	۸۳/۵۶ ± ۱۱/۲۲	۹۷/۹۲ ± ۱۳/۶۵	نیم ساعت چهارم	< ۰/۰۰۱
	۹۴/۹۵ ± ۱۷/۹۲	۷۹/۷۸ ± ۱۲/۱۰	۹۱/۰۹ ± ۸/۲۳	نیم ساعت پنجم	۰/۰۵۶
	۹۴/۲۶ ± ۱۲/۰۰	۷۷/۵۲ ± ۱۱/۰۲	۸۸/۰۹ ± ۱۳/۹۲	نیم ساعت ششم	۰/۰۳۶
	۹۰/۴۷ ± ۱۴/۴۶	۷۷/۹۰ ± ۱۲/۵۹	۸۳/۷۵ ± ۱۹/۳۵	نیم ساعت هفتم	۰/۴۴۲
	۸۶/۹۲ ± ۱۰/۰۶	۷۶/۳۷ ± ۹/۶۸	۸۳/۶۹ ± ۱۲/۹۳		
	۸۷/۱۶ ± ۱۵/۱۸	۸۰/۷۰ ± ۱۱/۴۰	۸۶/۳۴ ± ۱۲/۱۸		



شکل ۴. میانگین Partial pressure of carbon dioxide (PaCO₂) در زمان‌های مختلف در بیماران سه گروه مورد مطالعه



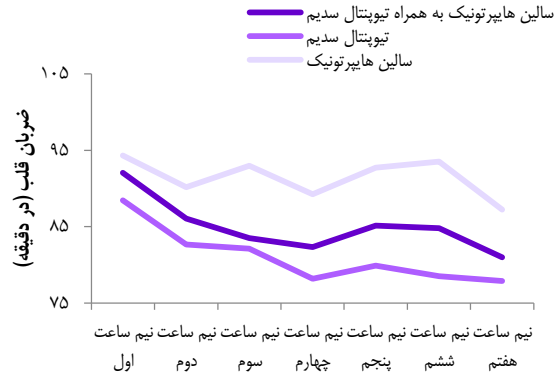
شکل ۲. میانگین فشار خون متوسط شریانی در زمان‌های مختلف در بیماران سه گروه مورد مطالعه

همچنین، در این گروه ثبات علائم همودینامیک نیز دیده شد و این در حالی است که نه تنها شرایط ریلکسیشن در گروه دریافت کننده سالین هایپرتونیک به تنهایی و یا تیوپنتال سدیم به تنهایی بدتر از گروه سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم بود، بلکه در دو گروه پیش گفته، افزایش (سالین هایپرتونیک) و یا کاهش (تیوپنتال سدیم) متغیرهای همودینامیک دیده شد.

همچنین، مشخص شد که میانگین ضربان قلب از ساعت ۱/۵ تا انتهای ساعت سوم در گروه تیوپنتال سدیم کمترین میزان و در گروه سالین هایپرتونیک بیشترین میزان بود و این در حالی است که در تمام زمان‌های مورد مطالعه، در گروه سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم در حد متوسط و با ثبات بیشتری همراه بود ($P < 0/050$) (جدول ۲ و شکل ۳).



شکل ۵. میانگین میزان اشباع اکسیژن شریانی (Oxygen saturation یا SpO₂) در زمان‌های مختلف در بیماران سه گروه مورد مطالعه



شکل ۳. میانگین ضربان قلب در زمان‌های مختلف در بیماران سه گروه مورد مطالعه

یک مطالعه بر روی بیمارانی که تحت عمل انتخابی جراحی تومورهای سوپراتنتوریال در طول سال ۲۰۰۰ بر روی ۳۰ بیمار با درجه‌ی بیهوشی ۱ و ۲ بر اساس معیارهای ASA و عدم وجود بیماری‌های تنفسی و قلبی - عروقی انجام گرفت. در این مطالعه، بیماران به دو گروه ۱۵ نفری تقسیم شدند و گروه اول تحت دریافت ۵ میلی‌گرم/کیلوگرم تیوپنتال به صورت اینداکشن و سپس، تزریق ۲ میلی‌گرم/کیلوگرم/ساعت تا زمان باز شدن دورا و گروه دوم تحت دریافت ۲ میلی‌گرم/کیلوگرم پروپوفول به صورت اینداکشن و سپس، تزریق ۱ میلی‌گرم/کیلوگرم/ساعت تا زمان باز شدن دورا قرار گرفتند.

همچنین، در بررسی گازهای خون شریانی نیز مشخص شد که بین سه گروه مورد مطالعه، تفاوت معنی‌داری از لحاظ PaCO₂ (شکل ۴) و SpO₂ (شکل ۵) در هیچ یک از زمان‌های مورد مطالعه وجود نداشت ($P > 0/050$).

بحث

نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان داد که میزان ریلکسیشن در گروه دریافت کننده سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم دارای شرایط بهتری بود و میزان رضایت بیشتر جراح را نیز در پی داشت.

هایپرتونیک ۳ درصد به همراه تیوپنتال در مقایسه با سالین هایپرتونیک ۵ درصد باید صورت گیرد تا بهترین ترکیب دارویی در خصوص کاهش فشار داخل مغزی حین عمل حاصل گردد.

در مطالعه‌ی دیگری که به صورت آزمایش‌های کنترل‌ی تصادفی‌سازی شده بر روی ۶ مطالعه‌ی بالینی با ۵۲۷ نفر شرکت کننده با هدف مقایسه‌ی اثر مانتول و سالین هایپرتونیک جهت ایجاد ریلکسیشن مغزی در بیماران تحت کرانیوتومی انجام گرفت، نشان داده شده که سالین هایپرتونیک جهت ایجاد ریلکسیشن مغزی مؤثرتر از مانتول است (۷). هر چند نوع طراحی این مطالعه، با مطالعه‌ی حاضر متفاوت می‌باشد، اما مشخص شد که سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال دارای بهترین اثر در کاهش فشار داخل مغز است.

نتیجه‌گیری نهایی این که میزان ریلکسیشن در گروه دریافت کننده‌ی سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم دارای شرایط بهتری است و میزان رضایت بیشتر جراح را نیز در پی دارد. همچنین، مشخص شد که در این گروه نیز ثبات علائم همودینامیک دیده شد و این در حالی است که نه تنها شرایط ریلکسیشن در گروه دریافت کننده‌ی سالین هایپرتونیک به تنهایی و یا تیوپنتال سدیم به تنهایی بدتر از گروه سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم بود؛ بلکه در این دو گروه، افزایش (سالین هایپرتونیک) و یا کاهش (تیوپنتال سدیم) متغیرهای همودینامیک نیز مشاهده گردید. بنابراین، با توجه شیوع بالای افزایش فشار مغزی به دنبال اعمال جراحی کرانیوتومی جهت خارج کردن تومورهای سوپرا تنتوریل مغز، پیشنهاد می‌شود برای تمام بیماران سالین هایپرتونیک به همراه تیوپنتال سدیم تجویز شود تا سبب کاهش عوارض و بهبود نتیجه‌ی درمانی و افزایش رضایت بیمار و جراح شود. از جمله محدودیت‌های این مطالعه، ریزش ۷ بیمار در طول مطالعه بود؛ هر چند در این مطالعه حجم نمونه‌ی بالاتری انتخاب شد تا در صورت ریزش، خللی در نتایج مطالعه به وجود نیارد. از دیگر محدودیت‌های مطالعه، عدم امکان استفاده از غلظت‌های مختلف سالین هایپرتونیک (۳ درصد) در بیماران مورد مطالعه بود که این امر، ناشی از کمبود حجم نمونه در فاصله زمانی مطالعه بود. از این رو، با توجه به مؤثر بودن سالین هایپرتونیک، مطالعه‌ی دیگری با حجم نمونه‌ی بالاتر و با دزهای متفاوت مورد نیاز است که از این طریق، بتوان تأثیر این دارو را بهتر شناخت و به دز بی‌خطر با بالاترین کارایی رسید.

تشکر و قدردانی

این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه‌ی دکتری حرفه‌ای پزشکی عمومی با شماره‌ی طرح پژوهشی ۳۹۶۹۶۸ بود که با حمایت‌های معنوی و مادی حوزه‌ی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد. بدین وسیله از زحمات این عزیزان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

پس از انجام مداخله، مشخص گردید تیوپنتال و پروپوفول هر دو به صورت برابر جهت ایجاد ریلکسیشن مغزی مؤثر می‌باشند (۳). در مطالعه‌ی حاضر نیز مشخص شد که تجویز تیوپنتال به صورت معنی‌داری سبب ریلکسیشن مغزی می‌شود، اما این اثر، در صورت تجویز هم‌زمان سالین هایپرتونیک به صورت معنی‌داری بهبود پیدا می‌کند.

در مطالعه‌ی دیگری که بر روی ۴۴ بیمار دچار ضربه‌ی مغزی منجر به افزایش فشار داخل جمجمه‌ای انجام گرفت، ۲۲ نفر از بیماران تحت دریافت ۱۰ میلی‌گرم/کیلوگرم پنتوباریتال و ۲۲ نفر تحت تزریق ۲ میلی‌گرم/کیلوگرم تیوپنتال قرار گرفتند. در پایان، مشخص گردید جهت کنترل فشار داخل جمجمه‌ای افزایش یافته‌ی مقاوم به اقدامات اولیه بعد از ترومای مغزی، تیوپنتال مؤثرتر از پنتوباریتال است (۵). در مطالعه‌ی حاضر نیز مشخص شد که تجویز تیوپنتال به صورت معنی‌داری سبب ریلکسیشن مغزی می‌شود، اما این اثر در صورت تجویز هم‌زمان سالین هایپرتونیک به صورت معنی‌داری بهبود می‌یابد.

مطالعه‌ی دیگری بر روی ۵۰ بیمار کاندیدای جراحی انتخابی کرانیوتومی با درجات بیهوشی ۱ و ۲ بر اساس ASA انجام شده است. در این مطالعه، بیماران تحت تزریق وریدی ۲/۵-۱/۵ میلی‌گرم/کیلوگرم پروپوفول (۲۵ نفر) یا ۵-۴ میلی‌گرم/کیلوگرم تیوپنتال (۲۵ نفر) قرار گرفتند. مشاهده شد که هر دو دارو، به یک میزان سبب کاهش فشار داخل جمجمه‌ای شدند (۴). هر چند در مطالعه‌ی حاضر تنها تیوپنتال مورد مطالعه قرار گرفته بود، اما مشخص شد که تجویز این دارو به صورت معنی‌داری سبب بهبود ریلکسیشن مغزی می‌شود، اما از آن جایی که تغییرات همودینامیک در تجویز این دارو گزارش شده است، در این مطالعه به بررسی تجویز هم‌زمان سالین هایپرتونیک و تیوپنتال پرداخته شد و مشخص گردید که به صورت معنی‌داری سبب بهبود ریلکسیشن مغزی و ثبات همودینامیک شد.

در مطالعه‌ی دیگری که بر روی ۷۰ بیمار کاندیدای عمل کرانیوتومی مبتلا به تومورهای مغزی مراجعه کننده به بیمارستان‌های الزهرا (س) و آیت‌اله کاشانی انجام شد، ۳۵ نفر از بیماران تحت تزریق وریدی ۴ سی‌سی/کیلوگرم سالین هایپرتونیک ۵ درصد و ۳۵ نفر دیگر تحت تزریق وریدی ۴ سی‌سی/کیلوگرم سالین هایپرتونیک ۳ درصد قرار گرفتند و مشخص گردید استفاده از سالین هایپرتونیک ۵ درصد نسبت به سالین هایپرتونیک ۳ درصد با کنترل مناسب‌تر فشار داخل مغزی حین عمل همراه است (۶). در مطالعه‌ی حاضر نیز مشخص شد که تجویز هم‌زمان سالین هایپرتونیک ۵ درصد به همراه تیوپنتال سبب بهبود بهتر فشار داخل مغزی حین عمل شد. هر چند مطالعه‌ی دیگر در خصوص بررسی تجویز هم‌زمان سالین

References

1. Cheng F, Xu M, Liu H, Wang W, Wang Z. A retrospective study of intracranial pressure in head-injured patients undergoing decompressive craniectomy: A comparison of hypertonic saline and mannitol. *Front Neurol* 2018; 9: 631.
2. Wang W, Lin C, Hong J, Wang S, Gu J. Effects of increased intracranial pressure gradient on cerebral venous infarction in rabbits. *World Neurosurg* 2018; 120: e161-e168.
3. Madhusudhana R, Aswathappa J, Simha J, Gundappa P, Iyer P. A comparative study of intraoperative brain relaxation with thiopentone and propofol for supratentorial tumour surgery. *IOSR Journal of Dental and Medical Sciences* 2014; 13(4): 29-31.
4. Santra S, Das B. Effect of propofol and thiopentone on intracranial pressure and cerebral perfusion pressure in patients undergoing elective craniotomy - a comparative study. *Indian J Anaesth* 2007; 51(3): 211-5.
5. Perez-Barcena J, Llompert-Pou JA, Homar J, Abadal JM, Raurich JM, Frontera G, et al. Pentobarbital versus thiopental in the treatment of refractory intracranial hypertension in patients with traumatic brain injury: a randomized controlled trial. *Crit Care* 2008; 12(4): R112.
6. Rahimi Z. The comparison effect of two deferent doses of hypertonic saline (3% and 5%) to reducing intracranial pressure in patients with brain tumor under craniotomy in Alzahra and Kashani Hospitals in 2016-2017 [MD Thesis]. Isfahan, Iran: Isfahan University of Medical Sciences; 2017.
7. Giles K. Mannitol vs. hypertonic saline for brain relaxation in patients undergoing craniotomy. *Am J Nurs* 2015; 115(1): 70.
8. Dunham CM, Malik RJ, Huang GS, Kohli CM, Brocker BP, Ugokwe KT. Hypertonic saline administration and complex traumatic brain injury outcomes: A retrospective study. *Int J Burns Trauma* 2018; 8(3): 40-53.
9. Gu J, Huang H, Huang Y, Sun H, Xu H. Hypertonic saline or mannitol for treating elevated intracranial pressure in traumatic brain injury: a meta-analysis of randomized controlled trials. *Neurosurg Rev* 2018. [Epub ahead of print].
10. Ali A, Tetik A, Sabanci PA, Altun D, Sivrikoz N, Abdullah T, et al. Comparison of 3% hypertonic saline and 20% mannitol for reducing intracranial pressure in patients undergoing supratentorial brain tumor surgery: a randomized, double-blind clinical trial. *J Neurosurg Anesthesiol* 2018; 30(2): 171-8.

Comparison of the Effect of Thiopental Sodium Supplementation and Hypertonic Saline 5% Alone or their Combination on Intracranial Pressure Changes during Craniotomy Surgeries

Mehrdad Masoudifar¹, Zahra Bahari²

Original Article

Abstract

Background: During craniotomy surgery, adequate intracranial pressure is a key factor in facilitating tumor removal surgery. So, it is essential to find a therapeutic approach to have proportional cranial pressure. Therefore, the purpose of this study was to compare the effect of thiopental sodium supplementation and hypertonic saline 5% alone or their combination on intracranial pressure changes and brain relaxation during craniotomy surgeries.

Methods: This was a randomized, double-blind clinical trial study performed on 67 patients under craniotomy (22 patients in hypertonic saline, 23 in thiopental sodium, and 22 in hypertonic saline and thiopental sodium group). Patients were randomly assigned into three groups and the drugs were prescribed after anesthesia. Vital signs and intracranial pressure were recorded in patients. Chi-square and ANOVA tests were used to compare the data.

Findings: In the group receiving hypertonic saline plus thiopental sodium, the rate of relaxation was the best with highest score of 3.86 ± 0.35 ($P < 0.001$), and surgeon satisfactory was more with the highest score of 3.86 ± 0.35 ($P = 0.005$). Moreover, in this group, the stability of hemodynamic symptoms was also observed ($P < 0.050$).

Conclusion: Considering the high prevalence of cerebrospinal hypertension following craniotomy surgery to remove supratentorial brain tumor, hypertonic saline plus thiopental sodium is recommended to be prescribed for all patients to reduce the complications, improve therapeutic outcomes, and increase the satisfaction of the patient and the surgeon.

Keywords: Brain, Relaxation, Hypertonic saline solution, Thiopental sodium

Citation: Masoudifar M, Bahari Z. Comparison of the Effect of Thiopental Sodium Supplementation and Hypertonic Saline 5% Alone or their Combination on Intracranial Pressure Changes during Craniotomy Surgeries. J Isfahan Med Sch 2019; 37(513): 23-30.

1- Assistant Professors, Anesthesiology and Critical Care Research Center AND Department of Anesthesiology, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

2- Student of Medicine, Student Research Committee, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Corresponding Author: Zahra Bahari, Email: zoshitta@gmail.com